

معرفی و نقدی بر کتاب

زندگینامه عبدالحسین میرزا فرمانفرما



نقد از:
مصطفی بادکوبه‌ای

هیچ ساختمانی بنا نشده و خلاصه چیز قابل زکری نیست.

به هر حال، تنها کسانی که می‌توانند منابع قابل اعتمادی باشند، نیروهای مزدمی، دست اندرکاران حکومت، مسئولان اجرایی و خاندان‌هایی هستند که در دوران امور جاری و تصمیم‌گیری‌های مهم بوده‌اند. اینان می‌توانند خاطرات خود را به صورت مستند برای نسلی حاضر و نسل‌های آینده بنگارند و نگذارند که گرد و غبار زمانه بر چهره و واقعیت‌ها بنشینند و ملتی را در مقطعی از تاریخ بی‌هویت نشان دهند.

یکی از کسانی که در اواخر دوران قاجار (۱۲۷۲ هـ. ق برابر با ۱۲۲۶ شمسی) در یکی از خانواده‌های سرشناس قاجاریه به دنیا آمد عبدالحسین میرزا فرمانفرما بود. او در دوران ولیعهدی مظفرالدین میرزا با خانم عزت‌الدوله ازدواج کرد (۱۳۰۵ هـ. ق - ۱۲۶۶ شمسی) و علیرغم اینکه پدرش نصرت‌الدوله فرزند عباس میرزا و مادرش نیز نوه فتحعلی‌شاه بود. اما در نهضت مشروطیت و دوران صدارت عین‌الدوله با مشروطه خواهان همکاری کرد. به همین جهت اولین وزیر عدلیه شد و تاریخ‌دانان می‌دانند که در

نو دولتان بایستند. تلاش بازماندگان خانواده‌های شناخته شده به عنوان پاسداران تاریخ و فرهنگ این مرز و بوم است به گونه‌ای که به هر شکل ممکن، اسناد و مدارک تاریخی معاصر را به چاپ برسانند و از دستبرد خائنان آگاه یا خادمان ناآگاه نجات دهند. همانگونه که ساسانیان متأسفانه آثار اشکانیان را از بین بردند و بزرگمردی چون فردوسی در مورد اشکانیان می‌گوید،

از آنان به جز نام نمانده‌ام
نه در نامه خسروان دیده‌ام

بر این مسئله می‌توان قصه جانسوز کتاب سوزان عرب را نیز به هنگام حمله به ایران در صدر اسلام افزود. قصه‌ای که هنوز هم می‌توان بر آن تأسف خورد... و متأسفانه امروز نیز پسران‌زاده‌های این خلق و خوی ناپسند در کشور عزیزمان دیده می‌شود بطوریکه هیچکس جرأت نمی‌کند (یا حق ندارد) از هیچ نقطه قوتی در دوران سلطنت پهلوی اول و یا دوم نام ببرد... گویی که ایران قاجاریه ناگهان به ایران دوره انقلاب تبدیل شده است و هیچ‌گامی در دوران پنجاه و هفت ساله میان دوران قاجار و جمهوری برداشته نشده و

کمتر کسی است که بر اهمیت تاریخ راستین و شفاف میهن خویش تأکید نورزد. هر چند متأسفانه جزو خلق و خوی ما ایرانیان این خوی بسیار ناپسند وجود دارد که به محض تغییر حکومت‌ها و سلسله‌ها، تازه به دوران رسیده‌ها به پهنه‌های مختلف با تاریخ دوران پیش از خود در افتاده، آثار آنان را منهدم می‌کنند. نام‌ها را تغییر می‌دهند و حاضر نیستند که متأسفانه به نقاط قوت یا ضعف حکام پیشین بنگرند. اعمالشان را خرد و روزانه نقد کنند و موارد مثبت را مورد تأکید و تشویق قرار دهند.

آنچه بر این نقطه ضعف دامن می‌زند نداشتن اتوبیوگرافی‌ها و خاطرات و دست‌نوشته‌هایی از بزرگان، دولتمردان، دانشمندان و فرهیختگان است. به طوری که علی‌رغم وجود صنعت چاپ و یا حداقل و فورقلم و کاغذ، اکنون ما از زندگی واقعی، انگیزه‌ها، چالش‌ها و اوج یا حسیض زندگی مردان بزرگ معاصر ایران همی محرومیم! چه می‌شد اگر دست‌نوشته‌ای روزانه از امیرکبیر باقی مانده بود. یا یادداشت‌هایی از دکتر مصدق داشتیم. یا... به هر تقدیر، آنچه می‌تواند جای این نقطه ضعف را پر کند و در برابر تخریب فرهنگی و تحریف تاریخی

شماره ۱۵۰ و ۱۵۱ اسفند ۸۲ و فروردین ۸۳

آرامکس

ARAMEX

E-mail: aramex_tehran@hotmail.com

www.Aramex.com

International Courier & Cargo

حمل و نقل هوایی بین‌المللی

تلفن: ۶۴۰۳۹۴۰ فاکس: ۶۴۰۴۳۹۶

مسائل سیاسی ایران را به خواننده ارائه می‌کند که برای علاقمندان به تاریخ و فرهنگ ایران قطعاً جالب است. به هر حال تلاش این بانو و خانواده ایشان مورد توجه است.

اما قطعاً آنچه ایشان نوشته است بی‌نقص نمی‌باشد که اظهار نظر در این مورد به عهده مورخان و اهل تاریخ است. آنچه من می‌توانم به عنوان انتقاد بر این نویسنده عرضه کنم اینکه گاه ایشان کوشیده است که از موضع گیری‌های فرمانفرما دفاع نماید در حالی که چنین احتیاجی لازم به نظر نمی‌رسد. کافی است اعلام می‌شد که نظر و عملکرد وی چه بوده است چون صحت یا عدم صحت اندیشه و موضع گیری فرمانفرما به عهده خود اوست و تاریخ در این زمینه به قضاوت خواهد نشست.

امید که در فرصتی دیگر به طور دقیق‌تر در این زمینه نوشته‌ای داشته باشیم. ناشر کتاب انتشارات توس است و تصاویر تاریخی کتاب نیز قابل ملاحظه است.

امضاء نماید.

اینک خانم مهرماه فرمانفرمائیان یکی از فرزندان فرمانفرما. پس از انتشار کتاب گزیده‌ای از اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما که توسط خانم منصوره اتحادیه جمع‌آوری و منتشر شده است. دست به تألیف و انتشار کتاب زندگینامه عبدالحسین میرزا فرمانفرما زده است. این کتاب در دو جلد تدوین و منتشر شده است که به حق شامل اطلاعاتی بسیار مفید از دوران قاجاریه، مشروطیت و اوائل پهلوی است. فرمانفرما به عنوان یک پدر، یک سیاستمدار، یک نظامی، حتی یک مرد خیرخواه مثلاً مؤسسه پاستور را وقف و به ملت ایران هدیه نمود. مطالب در بیش از پنجاه فصل به صورت مستقل (البته با حفظ ترتیب تاریخی) تدوین شده و خواننده را به دوران پرفراز و نشیب فتوایته ایران می‌کشاند. اطلاعات بسیار ذی‌قیمتی در باب آداب و رسوم، مراسم جشن و عزا، لباس‌ها، تزئینات، معیارهای تربیتی و اخلاقی، جغرافیای تاریخی ایران به ویژه تهران و

دادگامی اهالی قوچان علیه ماموران دولت اقامه دعوا کرده بودند. فرمانفرما به نفع مردم و علیه دولت حکم داد. او در چندین کابینه وزیر عدلیه بود تا آنکه در ۱۷ صفر ۱۳۳۴ (برابر با ۲ دیماه ۱۲۹۵ شمسی) به نخست‌وزیری رسید و اوج هنر میهن‌دوستی در همین زمان بود که شخصاً در پایان دوران نخست‌وزیری خود به منظور امضاء نکردن قرارداد ننگین و ذلت‌بار با روس و انگلیس شخصاً به سیاستمداران مخالف خود مراجعه کرد و آنان را به شورش و اعتصاب علیه خود خواند تا آنکه احمدشاه را به استعفاي خود موافق کند.

فرمانفرما در هشتاد و چهار سالگی در هجده آبان ۱۲۱۸ شمسی در گیلان درگذشت. دو نکته راجع به او گلگتنی است یکی اینکه نظم را در مدرسه نظام تا پایان عمرش حفظ کرد به طوری که هم اکنون نیز در میان مردم معمولی کلمه فرمانفرما مرادف با نظم و اقتدار است. دیگر اینکه به هنگام کناره‌گیری از قدرت گفته بود از نوه عباس میرزا قبیح است که سند بردگی ایران را

انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

تلفن دفتر فروش : ۸۷۲۳۹۳۶
۸۷۱۶۳۹۱

منتشر کرد